

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ



بر مبنای کتاب های تاملی بر بنیان تاریخ ایران از  
ناصر پورپیرار  
Ketabton.com

پژوهشی مختصر در باب بنایی موسوم به مقبره شیخ شهاب الدین اهری

بهار 1390

## مقدمه:

اکنون که حقیقت تاریخ و پیشینه سرزمینی که در آن زندگی می کنیم به مدد تلاشهای خستگی ناپذیر استاد ارجمند آقای "ناصر پور پیرار" روشن شده و با مدد گرفتن از قرآن کریم می توانیم دوست را از دشمن تشخیص دهیم ، باید مسلح به سلاح علم و استدلال باشیم تا ضربه اصلی را بر پیکر نیمه جان شیاطین زمان وارد کنیم . اکنون می دانیم که بعد از آن قتل عام حول انگیز پوریم یهود که موجب نابودی و نسل کشی تمام تمدن های منطقه شد از حدود 2500 سال پیش تا حدود 300 سال قبل به جز دوره مختصر حضور کلنی های مهاجر یونانی ، سکوت سنگینی در منطقه شرق میانه در کشور های کنونی با نام ایران و عراق حاکم بوده است . و در مورد ترکیه این فقدان جمعیت را طوفان نوح و آثار جغرافیایی و تاریخی در فلات مرکزی ترکیه نشان می دهد . ولی از حدود 300 سال قبل بنا به دلایل بسیار زیاد سرمایه گذاری های مادی کنیسه و کلیسا در منطقه کلید خورد که دو هدف عمده را دنبال می کرد ، هدف اول جلوگیری از نفوذ اسلام واقعی در این سه سرزمین تازه باز تاسیس شده ، و هدف بعدی ایجاد تفرقه های دینی و قومی برای کنترل آسان مردم این سرزمین ها بود . این تفرقه ها ابعاد رنگارنگ بسیار زیادی دارد که یکی از مهمترین آنها ایجاد مذاهب و فرقه های دینی و عرفانی با مضمون خانگه ، درویش، قطب ، مراد ، مرید و ... نمود پیدا می کند . در این یادداشت بسیار کوتاه که اگر عمری باقی باشد فیلم مستند آن نیز به زودی منتشر می شود به یکی از این زیرساخت های اصلی تفرقه مذهبی در آذربایجان خواهیم پرداخت . لازم به توضیح است که منابع ما در مورد این قبیل اطلاعات عمدتاً مجعولات و دست ساخته هایی به مدیریت کنیسه و کلیسا می باشد ولی با بینشی صحیح می توان از درون این مجعولات حقایق زیادی را عیان کرد . کسانی می توانند نتیجه مطلوب را کسب کنند که عاری از هر گونه تعصب باشند و پیش نیاز درک بهتر مطالب ، قبول نظریات تاریخی "استاد پورپیرار" خواهد بود . هیچ یک از موضوعات مطرح شده حرف آخر نیست ولی خوانندگان بی تعصب را به تفکر وادار می کند .

«پیروزی با صالحان است»

شهر اهر در 97 کیلومتری شمال شرقی شهرستان تبریز در منطقه کوهستانی قره داغ قرار گرفته که از مهمترین و پرجمعیت ترین شهر های شمالی آذربایجان به شمار می رود . در منتهی الیه جنوبی این شهر تنها بنای قدیمی و عظیم این شهر با نام مقبره شیخ شهاب الدین اهری واقع شده است .



ابتدا این بنا را از لحاظ فنی بررسی کرده و در ادامه نظریات خود را بیان می کنیم برای این کار به منابع اطلاعاتی میراث فرهنگی رجوع می کنیم :

### « ساختمان بنای شیخ شهاب

ساختمان بنا شامل خانگه ، مسجد ، ایوان بلند مناره ها و غرفه های متعدد است . تاریخ بنا به درستی معلوم نیست لیکن از قرن هفتم ه.ق ساختمان بنا دارای تشکیلاتی بوده است . هرچند بعضی آن را منتسب به زمان شاه عباس اول می دانند ولی قدمت بعضی از قسمتها از جمله حصار سنگی مقبره و در شرقی به قبل از صفویه (دوره ایلخانی) مربوط می شود .

مشخصات دوره ایلخانی که در این بنا دیده می شود عبارتند از : 1- بلند سازی ارتفاع بنا 2- تبدیل مقاطع چهار ضلعی به هشت ضلعی به وسیله فیل پوش ها در نقطه شروع گنبد 3- گنبد دو پوش « (بروشور سازمان میراث فرهنگی)

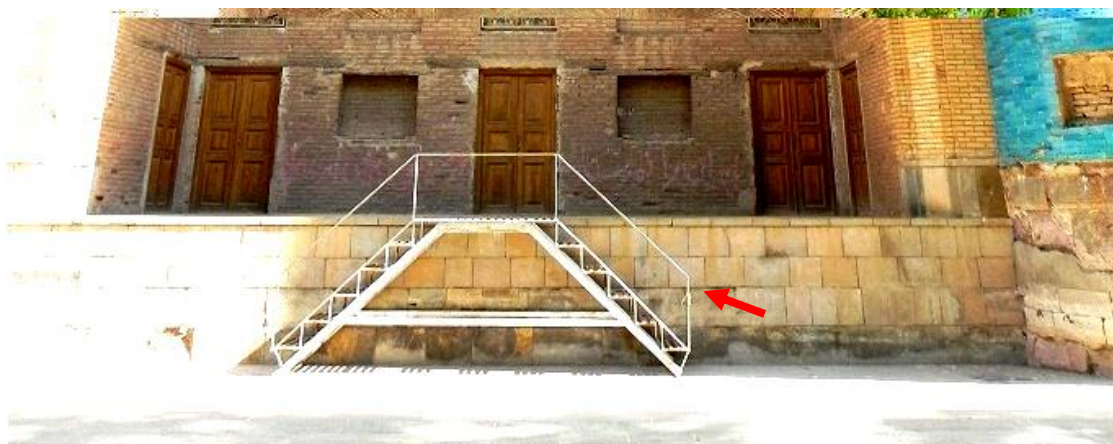
بحث در مورد قدمت بنا کار بسیار مشکلی نیست و قدمت بنا را می توان حداکثر حدود 300 سال تخمین زد که این عدد نیز شاید زیاد صحیح نباشد چون در این زمان منطقه شروع به پذیرش جمعیت بوده و مهاجرین تازه وارد به نیازهای اساسی تر از این بنا محتاج بوده اند و هنوز هم در آن منطقه بنایی به این بزرگی ساخته نشده چون مهاجرین دانش فنی ساخت چنین بنایی را نداشته اند و در این شهر اکثر ساختمان ها قدیمی فاقد خشت پخته اند به جز در قسمت مرکزی و اصلی این شهر که خشت پخته در این ساختمان ها که اکثرا مغازه ها هستند در نما استفاده شده و در بازار مسقف آن ، که قدمت بازار این شهر نیز نمی تواند بیشتر از 300 سال باشد و سبک متفاوت ساخت ندارد و ساختار آن مشابه بازار مسقف تبریز می باشد. در کتاب "شهر های ایران در دوره قاجار" که با سرمایه گذاری دولت روسیه تزاری تهیه و تنظیم شده می توان به وضوح شرایط اولیه شهرهای ایران را تحلیل کرد ، که جمعیت ثبت شده برای مراکز استان های کنونی کشور نهایتا چند صد خانوار می باشد حتی به دلیل کم بودن جمعیت نام بعضی از بزرگان شهر را ذکر کرده اند . حال تصور کنید ، زمانی که مرکز ایالت آذربایجان یعنی شهر تبریز چنین وضعیتی از لحاظ جمعیت داشته وضعیت جمعیت شهر اهر چگونه بوده است . در روستاهای آذربایجان نیز کمترین زیر ساخت های جمعیتی از قبیل حمام ، خطوط انتقال آب آشامیدنی و ... قدمتی بیشتر از 100 سال ندارند و این کاملا طبیعی است چون مهاجرین تازه با شرایط منطقه در حال آشنا شدن هستند . این موضوع فقط مربوط به آذربایجان نمی شود و تمامی شهر های ایران چنین وضعیتی را داشته اند . بنابراین می توان نتیجه گرفت که قدمت بنا حداکثر به دوره قاجار می رسد .

بنابه دلایلی که خواهم آورد این بنا ذاتا مکان عبادی و اسلامی نیست چون هیچ یک از مشخصه های مسجد در آن دیده نمی شود . اگر به متن بروشور میراث فرهنگی نگاه کنید ، ساختمان بنا شامل خانگاه ، و مسجد بوده یعنی خانگاه بودن بنا مقدم بر مسجد بودن آن است در بروشور های سال 86 این مسئله ذکر شده بود که مسجد بعدا به این بنا اضافه شده و در مجموعه از قبل مسجدی وجود نداشته است . در همین ابتدا این سوال را مطرح می کنیم که چه ضرورتی بر ساخت یک خانگاه در یک شهر که در آن زمان مسجدی نداشته وجود دارد ، زمانی که تصور کنیم مردم شهر عموما مسلمان بودند ؟

دلیل اول برای اثبات مسجد نبودن بنا این است که ایوان بزرگ این بنا که رو به سمت قبله (جنوب) است هیچ درگاه ورودی اصلی برای ورود به داخل بنا را نداشته و چنانچه در عکس ها خواهد آمد ، 5 در فعلی بعدا به این ایوان اضافه شده است با این توضیح که قسمت هایی از دیوار ایوان را کنده اند و برای استحکام بنا بر بالای درها چوب های نسبتا ضخیمی را جا نهادند تا بتواند وزن ایوان را تحمل کند . اگر درها از ابتدا در ایوان تعبیه شده بودند نیازی به محکم کاری این چنینی نبود . حتی ایوان بر روی سکویی است که ارتفاع کنونی آن حدود 1.5 متر می باشد و به تازگی پلکان فلزی در مقابل ایوان برای سهولت در وارد شدن به ایوان ساخته شده است .



حال این سوال را مطرح می کنیم که چگونه برای اقامه نماز ، که طبق سیستم مساجد اسلامی باید به سمت قبله وارد مسجد شویم ، در این بنا این شرط لحاظ نشده است ؟



دومین دلیل برای اثبات مسجد نبودن بنا نبود مناره های مؤذن است . می توان دلیل وجود مناره های موجود را استحکام بخشیدن به ایوان بلند آجری دانست . متأسفانه مسولین سازمان میراث فرهنگی اجازه بازدید از داخل مناره ها را ندادند و دلیل عدم اجازه را در استحکام کم مناره ها عنوان کردند . با بررسی پلان بنا می توان نتیجه بهتری در مورد وضعیت بنا توضیح داد . در رسم این پلان برخی از نکات فنی رعایت نشده چون فضا های مجهول زیادی برای رسم وجود داشت و دلیل آن عدم دسترسی به این فضاها می باشد که پوزشمان را بپذیرید ولی همین پلان مختصر برای توضیح کل بنا کافی است . اجزای پلان با توجه به شماره گذاری عبارتند از :

1- مناره شرقی با آجر ساده

2- مناره غربی با آجر های لعابدار به رنگ آبی

3- ایوان بزرگ

4- سالن میانی

5- سالن شرقی

6- سالن غربی

7- درب ورودی شرقی

8- نرده های سنگی

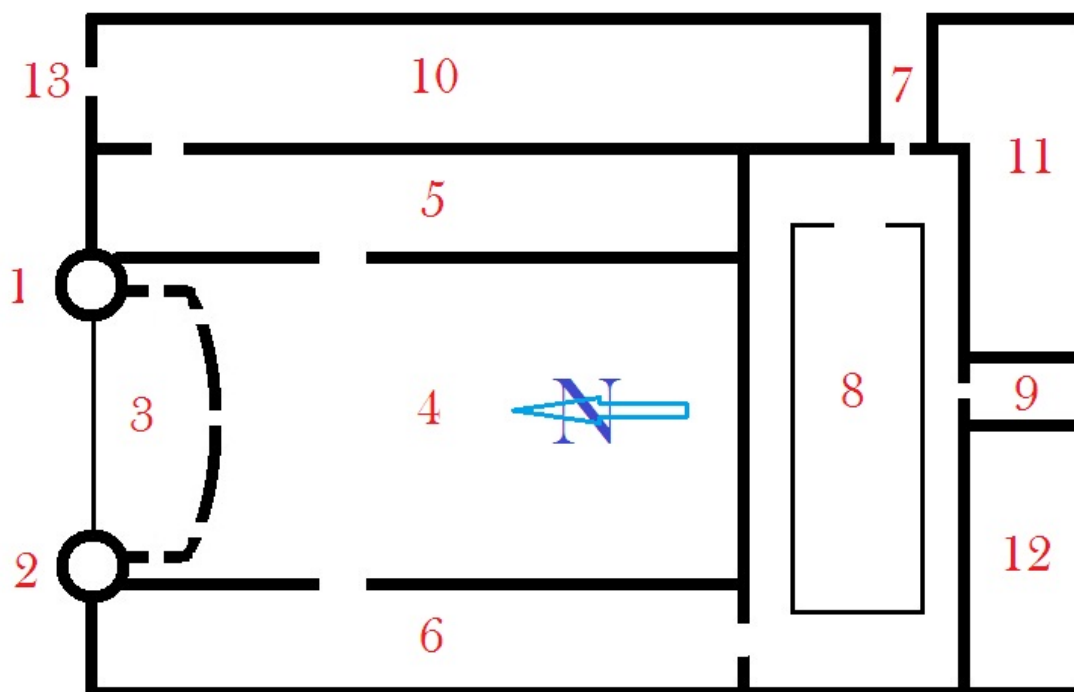
9- درب ورودی جنوبی

10- رواق های شرقی

11- رواق های جنوب شرقی

12- رواق های جنوب غربی

13- مدخل ورودی موزه (که اکنون معمولاً از این درب برای آمد و شد استفاده می شود)



با توجه به پلان بنا هیچ یک از سالن ها نمی توان مسجد باشد چون در بروشور میراث فرهنگی عکسی را چاپ کرده اند که داخل مسجد از سمت شرقی و غربی دارای پنجره می باشد که در سالن های سه گانه اصلی نمی توان پنجره های شرقی و غربی را که رو به سمت فضای باز داشته باشند ، ایجاد کرد . الا در سالن میانی که آن سالن نیز از لحاظ اندازه با

عکس موجود در بروشور مطابقت ندارد . سقف گنبدی سالن میانی ارتفاع بیشتری نسبت به سالن های مجاور خود دارد و می توان در فضای بالایی پنجره رو به بیرون برای نور دهی نصب کرد .

دلیل سوم برای اثبات مسجد نبودن بنا عدم وجود محراب در سالن های اصلی است . در بازدیدمان به سال 85 نیز اثری از محراب در این سه سالن نیافتیم .

حال این بنا چگونه می تواند مسجد باشد در حالی که در ورودی رو به سمت قبله ، مناره های موزن و محراب ندارد ؟

اگر موضوعات مطرح شده شما را برای خواندن ادامه مطالب جلب کرده و قبول کردید که این بنا یک بنای اسلامی برای نماز گذاران مسلمان نیست شما را با برخی از جعلیات جدید آشنا خواهیم نمود . باز به دلیل نبود اسناد معتبر و رسمی دیگر دوباره به بروشور سازمان میراث فرهنگی رجوع می کنیم .

### « شرح حال شیخ شهاب الدین اهری

شیخ شهاب الدین محمود اهری فرزند احمد اهری در نیمه شعبان 580 ه.ق در شهر اهر چشم به جهان گشود و در زادگاه خود رشته **صرف ، نحو ، فقه ، اصول و اخلاق** را در محضر ملا حسن اهری فرا گرفت . سپس در سن 25 سالگی برای تکمیل مراحل علمی – عرفانی خود راهی بغداد شد و در محضر شیخ رکن الدین سجاسی به کسب فیض و کمالات معنوی پرداخت . بعد از رسیدن به درجه قطب و با دستور استادش برای ارشاد و راهنمایی مردم به موطن بازگشت و به ارشاد و تعلیم پرداخت . « (بروشور سازمان میراث فرهنگی)

شیخ ما زمانی که سرزمین ایران خالی از جمعیت بوده در شهر خود یعنی شهر اهر به تحصیل در نزد شخصی به نام ملا حسن مشغول است گویا استاد شیخ ما همه علوم را می دانسته و بعد به شهر 300 ساله بغداد می رود و در محضر شیخ رکن الدین سجاسی مجهول الهویه ، علم خود را تکمیل می کند تا کسی در مورد دوستان و اساتید شیخ سوال نکند ! ؟ .

« نمودار زیر سلسله مراد و مریدان شیخ را نشان می دهد : شیخ رکن الدین سجاسی ، شیخ جمال الدین تبریزی ، باله حسن بنیسی ، بابا فرج وایقانی ، شیخ زاهد گیلانی ، شیخ صفی الدین اردبیلی « (بروشور سازمان میراث فرهنگی)

آیا تا به اینجا به فضای ماسونی بنا توجه کرده اید خانگاه ، قطب ، مرید ، مراد و ...

« فراماسون ها از پاره ای جهات با متصوفین و طبقات صوفیه در ایران بی شباهت نیستند و شاید روی همین وجه تشابه باشد که عده زیادی از فراماسون های قدیمی ایران جزو دستجات صوفی و دراویش بودند . همانگونه که در میان صوفیه (مرید) ، (مرشد) و (خانگاه) وجود دارد ، در فراماسونری نیز (شاگرد) ، (استاد) ، (لژ) موجود است . « (فراموشخانه و فراماسونری در ایران - اسماعیل رائین - انتشارات امیر کبیر - جلد دوم - صفحه 4)

اکنون متوجه شدید موضوع از چه قرار است . اگر صبر کنید از حقه بازی دیگری پرده خواهیم برداشت . سرمایه گذاران کنیسه و کلیسا برای ساختن کشوری به نام ایران هدف دیگری داشتند .



عکس هایی که می بینید از موزه مجموعه شیخ شهاب برایتان آماده کردیم اگر ادامه مطلب را دنبال کنید منظورمان را متوجه می شوید .



این عکس از کتاب فرزندان استر می باشد که این بحث را تکمیل می کند . به توضیح عکس توجه کنید تا بفهمید ماهیت اصلی این درویش چه بوده است .

« درویش های یهودی ، آقاخان درویش و برادرش ، بزرگان فامیل درویش ، تهران ، 1922 م . لغت نامه ی ایرانیکا در توضیح درویش می نویسد : درویشی به خاطر اشتراک با صوفیسم ، عرفان اسلامی ، و ظهور بعد



از اسلام اش ، شامل مراقبه های خاص مسلمانان هم هست . این درویش های یهودی مانند ورزش کاران سنتی زورخانه ها ، ورزشی مخلوط از مراسم یهودی و اسلامی دارند . هر کدام از درویش های این عکس وسایل زیر را به همراه دارند : 1. ردا . 2. کشکول 3. گارد ، پوسته نارگیلی یا چوبی که با زنجیر به کمر بسته می شود ، 4. تبرزین ، که در دست راست می گیرند تا دزدان و درندگان را برانند ، 5. چننه ، برای حمل وسایل ضروری . 6. تخت پوست ، زیراندازی از پوست حیوانات که به عنوان بستر یا زیرانداز شب زنده داری های معابد صوفی به کار می برند ، 7. تسبیح .» (کتاب فرزندان استر - هومن سرشار - انتشارات کارنگ- صفحه 154)

این جاسوسان یهودی با قیافه درویش نما فال گیر و رمال پارچه فروش و ... وارد اجتماعات مسلمانان می شدند و اطلاعات مورد نیاز خود را جمع می کردند و به کنیسه های خود می بردند تا بر اساس این اطلاعات برای آینده برنامه ریزی کنند . نمی توان به هیچ وجهی محوریت یهود در فتنه های جامعه اسلامی را کتمان کرد. ما هشدار های قرآن در مورد یهود و نصارا را جدی نگرفته ایم .

### « حصار سنگی مقبره

حصار سنگی مقبره به صورت مستطیلی شکل و به طول 15.15 متر و به عرض 7.75 متر در دور صحن کشیده شده و با نقوش اسلیمی و هندسی به صورت مشبک حجاری شده است و از شاهکار های حجاری اسلامی است . در قسمت ورودی و در سمت راست کتیبه ای با خط کوفی و با عنوان الله - محمد - علی به صورت حجاری دیده می شود « (بروشور سازمان میراث فرهنگی)



این هم عکسی از ورودی حصار سنگی که قدمت آن به دوره ایلخانی می رسد و بر روی آن کتیبه ای به خط کوفی نقش گرفته و آن نواقص حجاری برای تمرین حجاری به نسل های آینده واگذار شده تا میراث گذشتگان را فراموش نکنیم؟! بسیاری از قسمت های حصار سنگی مشبک از جنس سیمان است و این تنها مربوط به حصار سنگی نمی شود و می توان در درب شرقی نیز این موضوع را مشاهده کرد .



واین هم در شرقی که اگر به دقت به حاشیه سنگی آن توجه کنید کاملا تغییرات انجام شده بر روی آن را متوجه می شوید شاید نقوشی در این حجاری وجود داشت که ماهیت بنا را بهتر مشخص می کرد ولی دو موضوع در این درب بسیار جالب است . اول ارتفاع کم درب (که حداکثر یک متر می باشد) دوم نقش ستاره داود در دو سمت درب.





« بنابر روایت ، زائرین می بایست به حالت تعظیم وارد مقبره شوند . . . » (کتاب فرزندان استر - هومن

سرشار - انتشارات کارنگ- صفحه 36)



این هم عکسی از همان کتاب فرزندان استر که شخصی از دری با همان مشخصات درب وردی مقبره شیخ شهاب در حال تعظیم وارد مقبره (در شهر همدان) "استر" و "مردخای" (عاملان اصلی قتل عام پوریم به روایت عهد قدیم) می شود . آری یهود در همه جای سرزمین مان حضور دارد . حال فکر می کنید بعد از ورود به داخل محوطه از طریق این درب با چه صحنه ای رو برو می شویم .



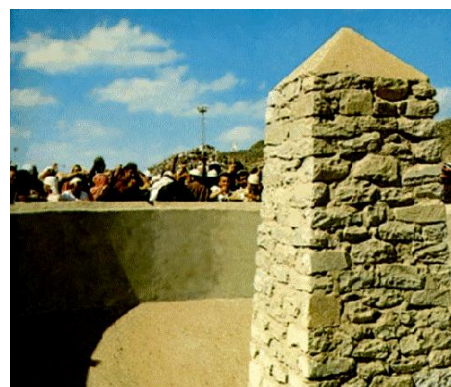
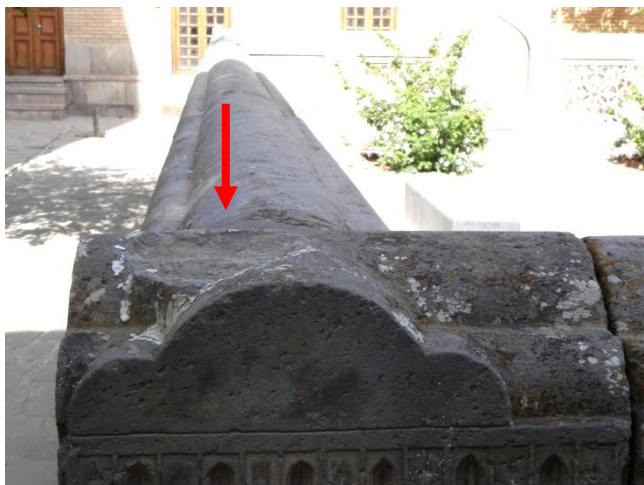
بله ما با حصار سنگی که گویا مقبره شیخ شهاب در آن قرار دارد روبرو می شویم . آیا می خواهید سنگ قبری را ببینید که به قبر شیخ ما منتسب است و هیچ کتیبه ای ندارد . سازمان به اصطلاح میراث فرهنگی ما برای مزار بی هویت شیخ استین بالا زده . البته اگر منتظر یادداشت بعدی باشید قضیه این سنگ قبر های بی هویت را جداگانه و کلی بررسی خواهیم کرد . اگر ملاحظه فرمایید سنگ جدیدی را در کنار قبر قرار داده اند و به عنوان توضیح با خط نستعلیق بر روی آن نام شیخ را برجسته کرده اند تا فرح و شادی در بازدید کنندگان به اوج خود برسد .







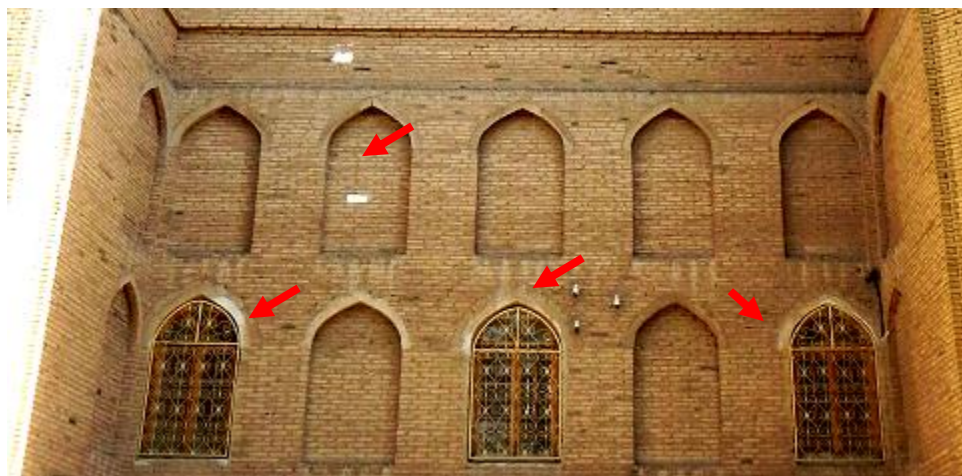
لازم است به یک موضوع بسیار مهم دیگر در مورد حصار سنگی اشاره کنیم که شاید بسیار جالب باشد . در چهار گوشه این حصار سنگی چهار مناره کوچک توپر سنگی وجود داشته که به دلایل نامعلومی آنها را شکسته اند و بعد به دلایل نامعلوم دیگری سعی کرده اند با چسب سنگ آنها را بچسبانند ولی اکنون این مناره کوچک سنگی که طولشان در حدود 40 سانتی متر است در حیاط محوطه و در داخل شیشه محافظ قرار گرفته ؟ ! .





آیا می توانیم بگوییم که این مناره ها شبیه همان نمادیت که زائران خانه خدا بر آن سنگ می زنند و آبلیسک نام گرفته و برای شیطان پرستان بسیار مقدس است؟

در معابدی که مناسک فراماسونری انجام می پذیرد معمولا فضا دارای نور کمی است . بیشتر پنجره های این بنا در بازسازی های اخیر نصب شده اند آیا این مسئله عجیب نیست که این بنا با این پنجره های کم چگونه در شبانه روز روشن می گشته ؟ جواب واضح است سازندگان بنا عمدا بنا را این گونه احداث کرده اند تا عبادت های خاص خود را در آن انجام دهند . عکس های زیر نمونه ای از پنجره هایی است که بعدا در آن بنا نصب شده اند . نصب درها و پنجره های زیاد در بنا موجب ترک خوردگی دیوارها در بسیاری از جاها بوده چون باعث کم شدن استحکام بنا گشته است .





از کارهای جالب دیگری که در این بنا در حال اجرا است کاشی کاری قسمت فوقانی ایوان اصلی و قسمت ورودی موزه می باشد که از زمان ساخت بنا تا کنون نیمه تمام رها شده بود.

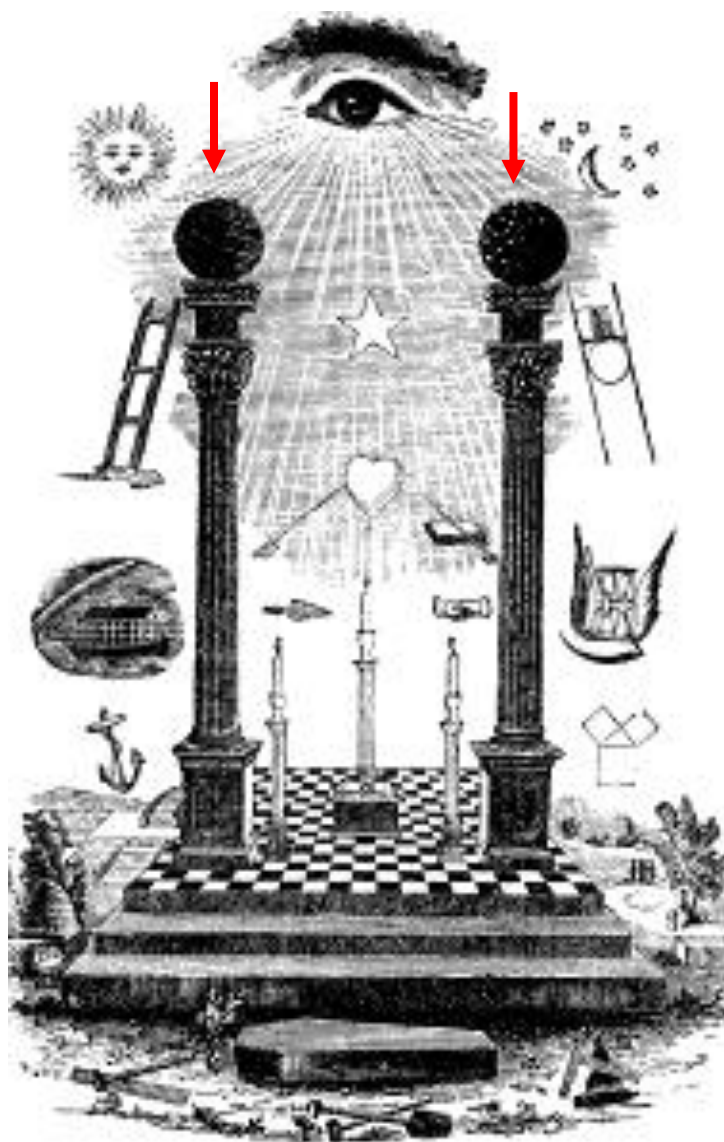


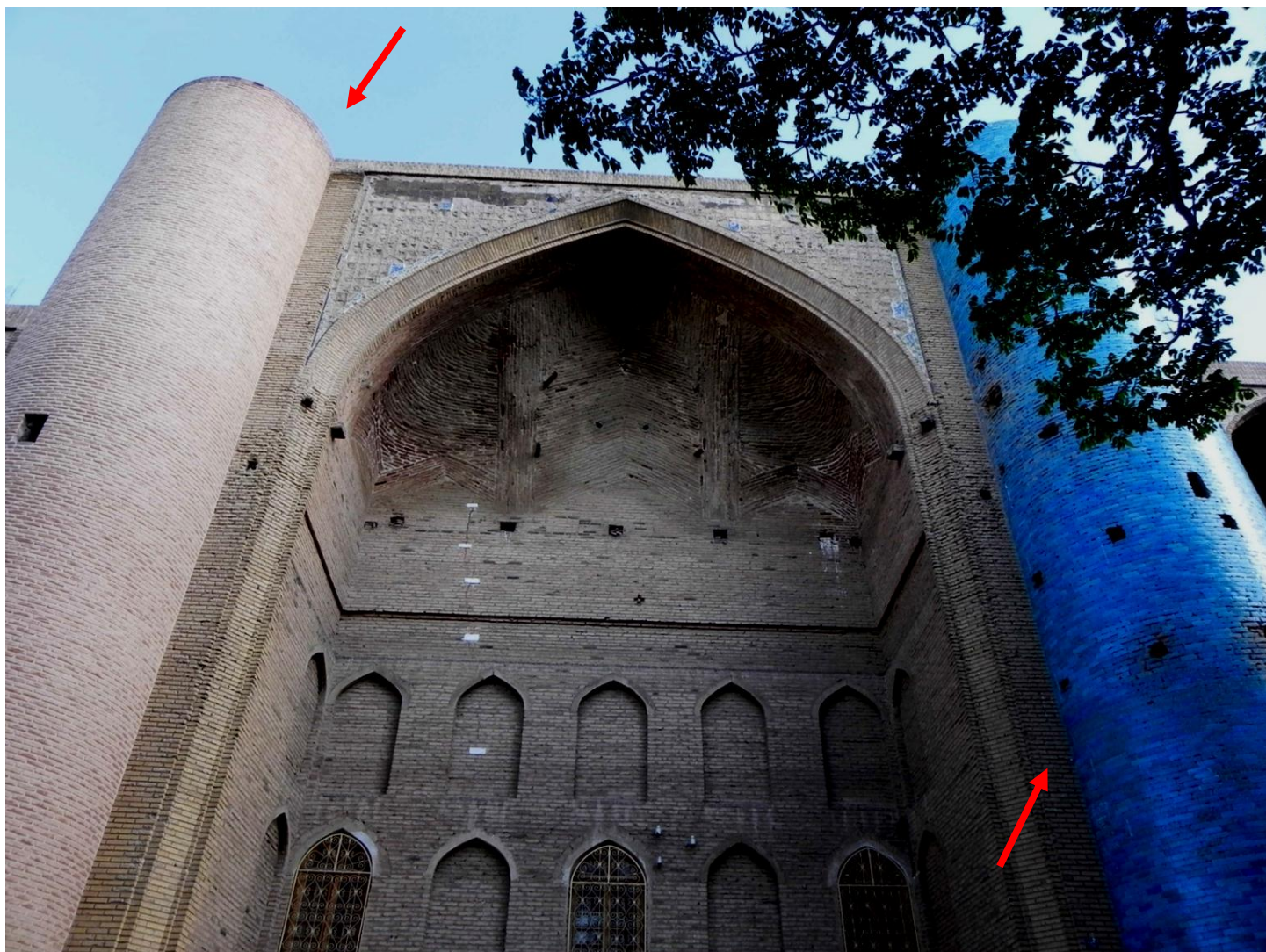
برای هر انسان کنجکاوی در این بنا سوالات زیادی مطرح می شود که غیر قابل جواب است . به سه عکس پایینی توجه کنید که عکس سمت چپ مربوط به چند ماسون می شود و چننه هایی شبیه به آن چه در موزه بود به همراه دارند و عکس های دیگر مربوط به موزه شیخ شهاب می باشد . در توضیح این چننه ها نوشته اند که این چننه ها محفظه کتاب می باشد ! . آیا قبول می کنید کتاب های خطی قدیمی که از لحاظ اندازه بزرگ بوده اند در این محفظه های کوچک جای بگیرند ! .





یکی از اعداد مقدس ماسون ها عدد 11 می باشد که در ساخت بناها به صورت دو ستون بر بنا اضافه می کنند که این دو ستون به نام های "بواز" و "جاشین" معروف است که بر روی ستون سمت راستی نماد ماه و ستاره قرار می گیرد و بر روی ستون سمت چپ نماد خورشید را قرار می دهند . در بازدید ابتدایی از بنا یک مسئله بسیار مهم خود را نشان می دهد و آن عدم قرینه بودن بنا خصوصا رنگ مناره ها می باشد که مناره سمت راست دارای آجرهایی با لعاب آبی رنگ و مناره سمت چپ ، مناره ساده آجری و روشن است . آیا چنین طرحی بدون قرینه ، با این مشخصات را در کل ایران یا هر جای دیگر سراغ دارید ؟ آیا اگر بگوییم این دلیل قدرتمندتر از دلایل قبلی ماسونیک بودن بنا را نشان می دهد چه جوابی دارید که بدهید ؟ در پایین تصویری انتزائی از یک لژ ماسونی و نمای اصلی بنا را برایتان آورده ایم تا حجت بر همگان در مورد ماسونیک بودن بنا ، تمام شود . یعنی مناره سمت چپ همان ستونی است که نماد روز (خورشید) می باشد و مناره سمت راست که آبی رنگ است نماد شب (ماه و ستاره) می تواند باشد .



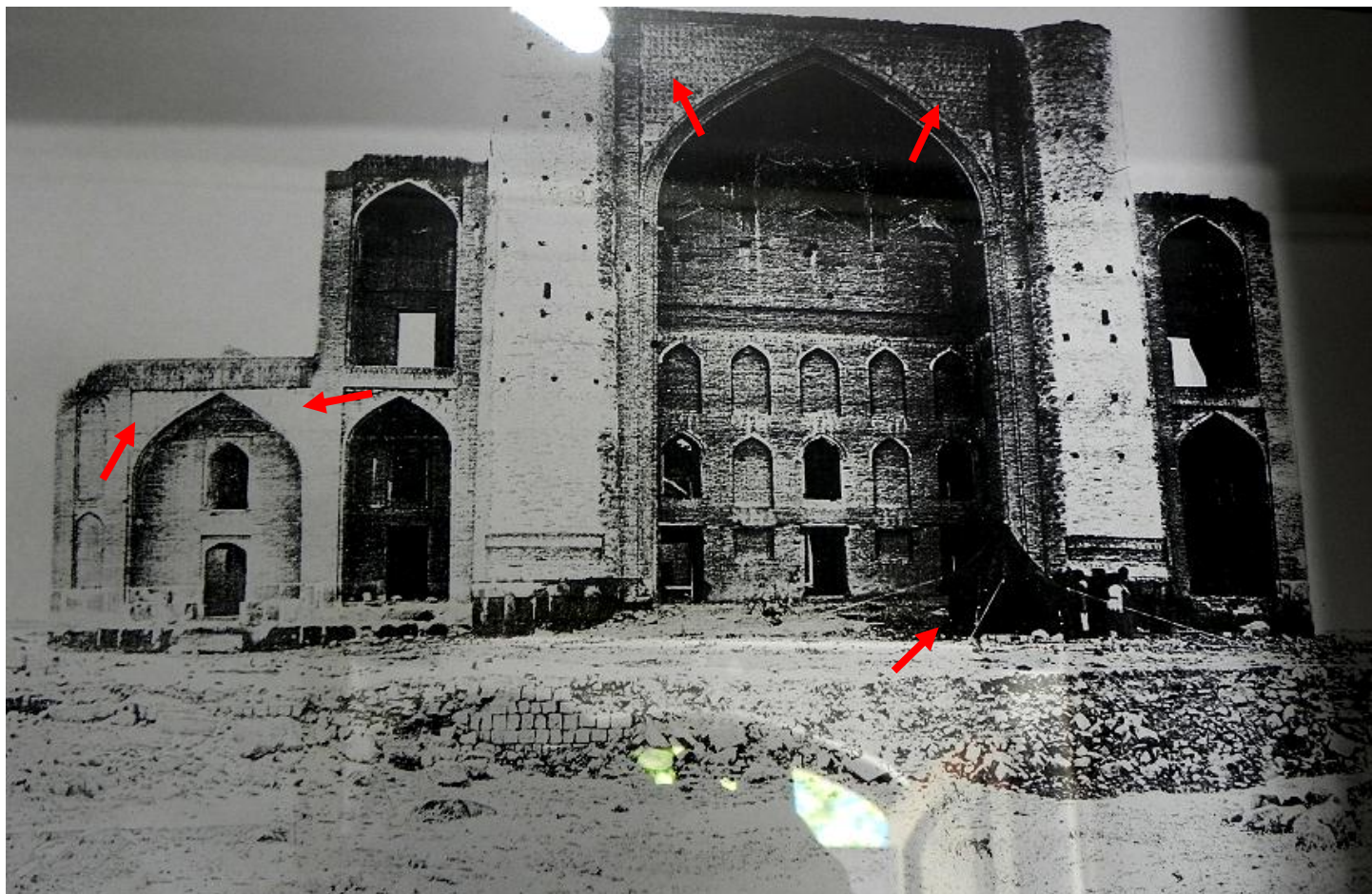


ما با برخی از مردم شهر اهر در مورد مقبره شیخ شهاب صحبت کردیم بعضی ادعا می کردند که در زیر گنبد بزرگ این بنا در قدیم قندیل بزرگی از طلا آویزان بوده که گویا در زمان اشغال آذربایجان توسط روس ها غارت شده و به روسیه منتقل گردیده است . احتمال می دهیم که این شیء ناقوس بوده که مردم به اشتباه نام آن را قندیل خطاب می کنند و بعد برای اینکه گند کار در نیاید آن را از بنا حذف نموده اند . بد نیست به عکس طنز آمیز زیر نیز نگاه کنید تا بفهمید سازندگان این مجعولات ما را چگونه به تمسخر گرفته اند .





به شهادت عکس هایی که در پایین برایتان آورده ایم این بنا و تمام ابنیه ای که به آنها قدمت چندین و چند صد ساله می دهند تلاش های کنیسه و کلیسا برای مخفی نگه داشتن نبود جمعیت در سرزمین های پوریم زده می باشد و هیچ یک از این ابنیه چه در آذربایجان و چه در جاهای دیگر قدمتی فراتر از 300 سال ندارند .



همانگونه که در تصویر می بینید مامورین کنیسه و کلیسا در حال ساخت و ساماندهی بنای شیخ مان هستند و چون شهری به نام اهر هنوز شکل نگرفته در محل احداث بنا مجبور شده ان چادر بزنند تا در آنجا شب را به صبح برسانند ! . حتی در این عکس نیز قسمت فوقانی ایوان اصلی و در ورودی فاقد کاشی کار می باشد ! ؟ .

اگر تصویر بالایی شما را قانع نکرد به تصویر پایینی که از محوطه حیاط بنا در زمان ساخت برداشته شده است توجه کنید . که به زمان عکاسی از این محل هنوز کارهای ساختمانی در حال اجرا بوده و ساخت بنا هنوز به اتمام نرسیده است .



## «Aydın Təbrizli»

منابع :

کتاب های تاملی بر بنیان تاریخ ایران - ناصر پورپیرار - انتشارات کارنگ

فرزندان استر - هومن سرشار - انتشارات کارنگ

فراماسونری و فراموشخانه در ایران - اسماعیل رائین - انتشارات امیر کبیر

بروشور سازمان میراث فرهنگی



**Get more e-books from [www.ketabton.com](http://www.ketabton.com)  
Ketabton.com: The Digital Library**